

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۸ . ۰۶ . ۲۰۱۰

به برنامه وزین محترمه "سجیه جان" که از شبکه
تلویزیون جهانی "آریانا – افغانستان"
پخش میگردد، تقدیم است:

خواهر قهرمان

ترا ای مهربان مادر!
ترا ای نازنین دختر!
ترا ای قهرمان خواهر!
به مثلِ مادران و ،

دختران و ،

خواهرانِ قهرمان و قهرمان پرور

که با تیغِ بیان و راکتِ افشاگری ایستاده در سنگر

همیشه خرقِ احباب از رخِ هر خائنِ ملیّ استمگر

به آماجِ بلا داری ، صفای سینه را اسپر

که تا آرامشی گردد نصیبِ هموطن در داخلِ کشور

مهیا لقمه نانی را به ایشان قاق و نرم و یا که خشک و تر

میسر بر تنِ عریانِ اطفالِ یتیم و بیوه زنها ،

جامه کرباسی و صحنی و یا بهتر

به ایشان خیمه ای ، یا سرپناهی حاضر و آماده هم از خاور و باختر

طبيب و هم پرستاری و هم درمان و درمانگر

تو ای مرهمگذارِ زخمهای سینه صد پاره پاره گشته آن ملت ،

در خاک و خون غلتیده و افتاده ، هم در نار و خاکستر

تو فخرِ مردمِ افغان ستانِ باستان هستی

ازان افغان ستانِ قهرمانزائی که دایم و

از هجوم و یورشِ بیگانگان و ، نوکران و چاکرانش ،

خود فروشان ،

قاتلان و جانپان و باندِ اشرار و تفنگسالار و جنگسالار بی فرهنگ ،

مثالِ چکچکی های پلید و ،

کارتکی های کثیف و ،

لشمکی هائی که با خواهرزنِ خود ،

نقطه نقطه،

که می شرمد قلم از شرح و تحریرش

به هر دوری ز ادوار و

به هر یومی از ایام ،

بسی ویرانه و با خاک یکسان گشته ،

میباشی

تو فخرِ اینچنین افغان ستانِ باستانی که ،

قلبش از جفای هر کس و ناکس ،

چو ربانی و سیاف و محقق ،

خلیلی و فهیم و دوستم ،

خصوصاً ، طالبان و گلبدینیهای هار و ،

از چلی هائی که چون حربا و چلیاسه

به هر رنگی که نرم ارتجاعی ،

لشم فاشیستی و هم القابِ خیراتیِ استادیست ،

ظاهر میشوند ، صد پاره گردیدست ،

میباشی

ز جورِ نیمچه ملاهای بی ایمان و بی وجدان ،

که با بگذشته ننگینِ پرفسق و فسادِ خود ،

تهمتهای بیشرمانه ، بر روشنگران بر بسته و تکفیر میدارند ،

تو فخرِ اینچنین افغان ستانِ باستان هستی

همه خرد و بزرگِ ملتِ رنجور افغان ،

دوست میدارند ترا ای قهرمان خواهر

کنون مادر وطن در بسترِ بیماری و در آتشِ بغض و عداوت سخت میسوزد

تن رنجور و بیمار پر از زخم سِنان و خنجر و شمشیر بغض و کینه ها دارد
 به چنگال گروه لاشخوران ،
 به بند و کند و هم زنجیر باند فاسقان ،
 به قید و دام بقالان و دلالان بی وجدان ،
 فتاده ناله ها دارد ،
 ولی دست نیازش سوی تو بالاست ،
 میخواهد بگیرد دامن پاکت
 که تا از عطر گفتارت ،
 خزانش چون بهاران پر از گل های یاس و نسترن ،
 همچون بهشت جاودان گردد
 بیا از قهر خود بنشین و دین و فرض خود را هم ادا بنما
 رسیدن بر هدف سخت است ،
 بیا و سنگر خود را مکن ایلا ،
 بیا و سنگر روشنگران را ترک منما ،
 تو ای سنگر شکن خواهر
 مَشو نومید ،
 مَشو غمگین ،
 مریزان اشک ،
 ای خواهر
 تو هم یکتا خدا داری ،
 محمد سید مرسل ، ختم الانبیا داری
 ابوبکر و عمر عثمان و حیدر ، چاریار باصفا داری

وطندارانِ باغیرت ،
باهمت ،
با ایمان و با وجدان ،
مُوحِّد ،
یکتا پرستِ باوفا و با حیا داری
برایت میدهم وعده
بخوانم شعر هر هفته
کنم با نقدِ نظم و نثرِ خود ، رنگین ، برنامه
برایت میدهم وعده
به همراه پناه و محترم نادر
اگر خواهی ،
در برنامه هایت نیز بر روشنگریها ، حصه میگیریم .
و در آخر تقاضا و تمنا دارم از هم میهنانِ با شهامت ،
باوقار و باوفای خود
که با لطف و محبت ،
در صورتِ امکان ،
در نهایت روح و هم ریحان ،
این برنامه را اسپانسر گردیده کمکهای مالی ، لطف فرمایند
و از این نعمتِ کبرا ،
از این رحمتِ عظمی ،
درین عصر و زمان و قرنِ نورا ،
بسی با همتِ والا ،

بفضلِ خالقِ یکتا ،
بگیرند قسمتِ اعلا ،
و نامِ خویشتن را جاودان سازند
ولاکن باز خود دانی ،
موفق ، کامیاب و سرفراز و سرخوش و آزاد باشی
همیشه ، کامگار و شاد باشی .
به امیدی که باز آیی